

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۱۰/۲۴

کبير عبادی

پاکستان در چهارراه بحران؛ بررسی - سیاسی عوامل داخلی و خارجی و چشم‌انداز ثبات منطقه



کبير عبادی

پاکستان به عنوان یکی از کشورهای مهم جنوب آسیا، به دلیل موقعیت جغرافیایی، توان نظامی، برخورداری از سلاح هسته‌ای و روابط گسترده با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، جایگاه ویژه‌ای در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه دارد. با این حال، تحولات سیاسی داخلی، چالش‌های امنیتی، مشکلات اقتصادی و پیچیدگی روابط خارجی، این کشور را با مجموعه‌ای از آزمون‌های دشوار روبه‌رو ساخته است. بررسی وضعیت پاکستان نشان می‌دهد که تحولات داخلی این کشور را نمی‌توان از رقابت‌های منطقه‌ای، روابط با افغانستان و هند، همکاری راهبردی با چین و روابط دفاعی با کشورهای خلیج جدا ساخت. از همین‌رو، تحلیل وضعیت پاکستان مستلزم بررسی هم‌زمان عوامل داخلی و خارجی در یک چارچوب جامع نظامی - سیاسی است. بخش نخست: عوامل داخلی و ساختار قدرت

۱. رابطه ارتش و حکومت غیرنظامی

یکی از موضوعات مهم در سیاست پاکستان، رابطه میان ارتش، حکومت فدرال، پارلمان و احزاب سیاسی است. ارتش این کشور در مسائل دفاعی و امنیت ملی نقش برجسته‌ای دارد و نفوذ آن در سیاست خارجی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی نیز قابل توجه است. پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان میان نیازهای امنیتی کشور، اقتدار نهادهای منتخب و حاکمیت قانون توازن برقرار ساخت؟ ثبات درازمدت زمانی تقویت می‌شود که نهادهای دولتی در چارچوب قانون اساسی عمل کنند و تصمیم‌های مهم ملی از مشروعیت سیاسی و حمایت عمومی برخوردار باشند.

۲. اختلافات سیاسی و بحران اعتماد

اختلاف میان حکومت شهباز شریف و حزب تحریک انصاف به رهبری عمران خان، یکی از محورهای مهم تنش سیاسی پاکستان است. بازداشت عمران خان، اعتراضات مخالفان و اختلاف بر سر نقش نهادهای دولتی و نظامی، فضای سیاسی را پیچیده ساخته است. در ۱۱ اکتبر ۲۰۲۶، حکومت فدرال پاکستان وضعیت اضطراری و اداره فرماندار را در ایالت خیبر پختونخوا برقرار کرد و حکومت ایالتی تحت رهبری تحریک انصاف را تعلیق نمود. حکومت مرکزی این تصمیم را با وضعیت امنیتی توجیه کرده، در حالی که تحریک انصاف آن را اقدامی علیه اختیار سیاسی ایالت می‌داند. این تحول نشان می‌دهد که پیوند میان اختلافات سیاسی و موضوعات امنیتی تا چه اندازه حساس است. راحل پایدار، افزون بر اقدامات قانونی، به گفت‌وگوی سیاسی، اعتمادسازی و احترام به حقوق شهروندان نیاز دارد.

۳. امنیت داخلی و تهدیدهای مسلحانه

فعالیت تحریک طالبان پاکستان، ناامنی در خیبر پختونخوا و خشونت‌های مسلحانه در بلوچستان از چالش‌های مهم امنیتی کشور به شمار می‌روند. عملیات نظامی ممکن است در برخی شرایط برای مقابله با تهدیدهای مسلحانه ضروری باشد؛ اما امنیت پایدار تنها با ابزار نظامی تأمین نمی‌شود. تقویت پولیس و نهادهای قضایی، همکاری مردم با دولت، توسعه اقتصادی مناطق محروم و رسیدگی به شکایت‌های اجتماعی نیز اهمیت اساسی دارند.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

هرگاه مبارزه با تروریسم با اعتماد عمومی و اداره مؤثر محلی همراه باشد، امکان ایجاد ثبات درازمدت افزایش می‌یابد.

۴. اقتصاد و توان دفاعی

اقتصاد یکی از عوامل تعیین‌کننده در ظرفیت نظامی و سیاسی پاکستان است. بدهی عمومی، نیاز به سرمایه‌گذاری، اصلاحات مالیاتی، هزینه انرژی و وابستگی به تأمین مالی خارجی، بر قدرت مانور حکومت تأثیر می‌گذارند. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول در ماه می ۲۰۲۶، برخی شاخص‌های اقتصادی پاکستان بهبود یافته بود؛ با این حال، خطرهای خارجی و فشار ناشی از تحولات خاورمیانه همچنان چشم‌انداز اقتصادی را با عدم اطمینان روبه‌رو می‌ساخت.

در چنین شرایطی، حفظ توازن میان هزینه‌های دفاعی، توسعه زیربنای، خدمات عمومی و رفاه مردم اهمیت ویژه دارد. قدرت نظامی بدون پایه اقتصادی پایدار نمی‌تواند به‌منتهایی ضامن ثبات ملی باشد.

بخش دوم: عوامل خارجی و معادلات منطقه‌ای

۱. افغانستان و امنیت مرزی

روابط پاکستان و افغانستان یکی از مهم‌ترین محورهای امنیتی منطقه است. اسلام‌آباد حکومت طالبان را به فراهم‌بودن زمینه فعالیت تحریک طالبان پاکستان در خاک افغانستان متهم می‌کند؛ طالبان این اتهامات را رد کرده‌اند. درگیری‌های مرزی و حملات متقابل نیز روابط دو طرف را پیچیده‌تر ساخته است. ادامه تنش میان دو کشور می‌تواند بر امنیت مردم مناطق مرزی، تجارت، رفت‌وآمد و ثبات منطقه تأثیر منفی بگذارد. از دیدگاه سیاسی و امنیتی، اولویت باید جلوگیری از گسترش درگیری، ایجاد سازوکارهای ارتباطی میان دو طرف، بررسی مشترک نگرانی‌های مرزی و جلوگیری از آسیب‌دیدن غیرنظامیان باشد. افغانستان و پاکستان با وجود اختلافات سیاسی و امنیتی، از پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی برخوردارند. مدیریت مسئولانه این پیوندها می‌تواند به کاهش تنش و تقویت همکاری منطقه‌ای کمک کند.

۲. هند و توازن نظامی در جنوب آسیا

رقابت پاکستان و هند، به‌ویژه بر سر کشمیر، از عوامل دیرینه بی‌ثباتی در جنوب آسیا است. توان نظامی دو کشور و برخورداری هر دو از سلاح هسته‌ای، اهمیت جلوگیری از محاسبه اشتباه و تشدید ناخواسته درگیری را دوچندان می‌سازد. در چنین شرایطی، حفظ مجاری ارتباطی میان دو کشور، احترام به توافق‌های موجود، مدیریت حوادث مرزی و استفاده از راه‌های دیپلماتیک برای حل اختلافات اهمیت حیاتی دارد. بازدارندگی نظامی ممکن است در محاسبات امنیتی دو طرف نقش داشته باشد؛ اما امنیت پایدار منطقه زمانی تقویت می‌شود که اقدامات اعتمادساز و راه‌حل‌های سیاسی نیز مورد توجه قرار گیرند.

۳. چین و همکاری‌های اقتصادی - راهبردی

چین یکی از شرکای مهم پاکستان در حوزه‌های اقتصادی، زیربنایی و دفاعی است. کریدور اقتصادی چین - پاکستان، پروژه‌های انرژی، راه‌ها و بندر گوا در از محورهای شناخته‌شده همکاری میان دو کشور هستند. با این حال، امنیت پروژه‌ها، وضعیت مالی، بازده اقتصادی سرمایه‌گذاری‌ها و ضرورت توسعه مناطق محلی از موضوعات مهم این همکاری به شمار می‌روند. پاکستان برای بهره‌برداری پایدار از این روابط نیاز دارد که امنیت پروژه‌ها را تقویت کند، فرصت‌های شغلی ایجاد نماید، صادرات خود را گسترش دهد و منافع اقتصادی همکاری‌ها را به شکل متوازن در جامعه توزیع کند.

۴. عربستان سعودی، ترکیه و همکاری‌های دفاعی

روابط پاکستان با عربستان سعودی و ترکیه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و دفاعی اهمیت دارد. همکاری‌های نظامی و توافق‌های دفاعی می‌توانند زمینه تبادل تجربه و هماهنگی امنیتی را فراهم سازند؛ اما در عین حال، تعهدات دفاعی خارجی باید با منافع ملی، توان اقتصادی و ضرورت حفظ روابط متوازن منطقه‌ای سنجیده شوند. گزارش‌های منتشرشده در اکتوبر ۲۰۲۶ از گسترش همکاری دفاعی پاکستان با عربستان و ترکیه و بحث اعزام نیرو به عربستان خبر داده‌اند. جزئیات عملیاتی و حدود تعهدات باید بر اساس اطلاعات رسمی و گزارش‌های معتبر بررسی شوند.

پاکستان در این زمینه با یک پرسش مهم روبه‌رو است: چگونه می‌تواند همکاری دفاعی با شرکای خود را توسعه دهد، بدون آن‌که ناخواسته در دامنه گسترده‌تری از منازعات منطقه‌ای گرفتار شود؟

۵. ایالات متحده و نهادهای مالی بین‌المللی

روابط پاکستان با ایالات متحده، صندوق بین‌المللی پول و دیگر نهادهای مالی بر اقتصاد و سیاست خارجی این کشور تأثیر دارد.

برنامه‌های تأمین مالی بین‌المللی می‌توانند به مدیریت فشارهای اقتصادی کمک کنند، اما اصلاحات مالیاتی، افزایش درآمد داخلی، بهبود مدیریت دولتی و جذب سرمایه‌گذاری مولد برای کاهش وابستگی درازمدت اهمیت دارند. پاکستان همچنین باید در روابط خود با قدرت‌های جهانی توازن برقرار کند؛ به‌گونه‌ای که همکاری با یک شریک، به محدودشدن غیرضروری روابط با دیگر شرکا منجر نشود.

بخش سوم: پیوند میان عوامل داخلی و خارجی

عوامل داخلی و خارجی پاکستان به‌صورت جداگانه عمل نمی‌کنند، بلکه بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. نخست، اختلافات سیاسی داخلی می‌تواند تمرکز حکومت را از اصلاحات اقتصادی و مدیریت امنیتی منحرف سازد. دوم، افزایش ناامنی در مناطق مرزی ممکن است هزینه‌های دفاعی را بالا ببرد و روابط پاکستان با افغانستان را دشوارتر کند.

سوم، فشارهای اقتصادی می‌تواند منابع مورد نیاز برای توسعه، خدمات عمومی و تقویت نهادهای امنیتی را محدود سازد.

چهارم، گسترش تعهدات دفاعی خارجی ممکن است فرصت‌های همکاری و بازدارندگی ایجاد کند؛ اما در صورت نبود ارزیابی دقیق، خطرهای دیپلماتیک و اقتصادی نیز به همراه داشته باشد.

بنابراین، سیاست نظامی، سیاست اقتصادی و سیاست خارجی پاکستان باید در یک چارچوب هماهنگ مورد بررسی قرار گیرند.

بخش چهارم: آجندای پیشنهادی نظامی - سیاسی

برای بررسی منظم وضعیت پاکستان، هشت محور اساسی را می‌توان در یک آجندای تحلیلی مطرح کرد:

۱. ساختار قدرت و حاکمیت قانون: بررسی رابطه میان ارتش، حکومت فدرال، پارلمان، احزاب سیاسی و حکومت‌های ایالتی.

۲. ثبات سیاسی داخلی: بررسی راه‌های کاهش تنش میان حکومت و مخالفان، تقویت گفت‌وگو و حفظ اعتماد عمومی.

۳. امنیت داخلی: ارزیابی تهدیدهای مسلحانه، وضعیت مناطق مرزی و نقش پولیس، نهادهای قضایی و همکاری اجتماعی.

۴. روابط با افغانستان: بررسی اختلافات مرزی، نگرانی‌های امنیتی، تجارت و راه‌های جلوگیری از درگیری‌های بیشتر.

۵. رقابت با هند: بررسی توازن نظامی، خطرهای تشدید تنش و امکان استفاده از مجاری دیپلماتیک.

۶. روابط با چین و کشورهای خلیج: ارزیابی همکاری‌های اقتصادی و دفاعی، منافع ملی و حدود تعهدات خارجی.

۷. اقتصاد و ظرفیت دفاعی: بررسی تأثیر بدهی، درآمد دولت، سرمایه‌گذاری و هزینه‌های امنیتی بر توان ملی.

۸. دیپلماسی و ثبات منطقه‌ای: شناسایی فرصت‌های همکاری با همسایگان و قدرت‌های جهانی، با هدف کاهش تنش و جلوگیری از گسترش منازعات.

این آجندا می‌تواند مبنای یک گزارش پژوهشی، بحث کارشناسی یا نشست تحلیلی قرار گیرد.

بخش پنجم: چشم‌انداز و گزینه‌های پیش‌رو

برای آینده پاکستان می‌توان سه مسیر کلی را مورد بررسی قرار داد.

مسیر نخست؛ تفاهم سیاسی و ثبات تدریجی: اگر حکومت، مخالفان و نهادهای مختلف به گفت‌وگوی مؤثر برسند و روابط با همسایگان مدیریت شود، زمینه برای کاهش تنش و تمرکز بر توسعه اقتصادی فراهم خواهد شد.

مسیر دوم؛ ادامه وضعیت پرتنش: اگر اختلافات سیاسی و مشکلات امنیتی ادامه یابد، حکومت ناچار خواهد بود منابع قابل توجهی را صرف مدیریت بحران کند و اصلاحات اقتصادی نیز با دشواری روبه‌رو خواهد شد.

مسیر سوم؛ تشدید هم‌زمان بحران‌ها: اگر اختلافات داخلی با درگیری‌های مرزی و فشارهای اقتصادی هم‌زمان شود، خطر افزایش بی‌ثباتی و دشوارترشدن مدیریت کشور وجود خواهد داشت.

این مسیرها پیش‌بینی قطعی نیستند؛ بلکه چارچوب‌هایی برای ارزیابی تحولات و سنجش پیامدهای تصمیم‌های سیاسی و امنیتی‌اند.

نتیجه‌گیری

وضعیت پاکستان نشان می‌دهد که قدرت نظامی، به‌تنهایی نمی‌تواند همه مشکلات یک کشور را حل کند. امنیت ملی زمانی پایدارتر می‌شود که توان دفاعی با ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، اقتصاد قابل اتکا، اعتماد عمومی و دیپلماسی مسئولانه همراه باشد.

در داخل پاکستان، کاهش اختلافات سیاسی، تقویت همکاری میان نهادهای دولتی و توجه به مشکلات ایالت‌ها اهمیت دارد. در خارج از کشور، مدیریت روابط با افغانستان و هند، گسترش همکاری‌های اقتصادی با چین و دیگر شرکا و حفظ توازن در روابط دفاعی می‌تواند به کاهش خطرهای منطقه‌ای کمک کند.

از دیدگاه این تحلیل، سه معیار برای ارزیابی وضعیت پاکستان اهمیت اساسی دارد:

انسجام سیاسی داخلی، مدیریت تهدیدهای امنیتی و توان اقتصادی برای پشتیبانی از توسعه و دفاع ملی.

آینده پاکستان نه تنها به توان ارتش و تصمیم‌های حکومت، بلکه به کیفیت نهادهای سیاسی، اعتماد مردم، روابط با همسایگان و ظرفیت کشور برای تبدیل رقابت به همکاری نیز وابسته است.

صلح و ثبات در پاکستان، افغانستان و منطقه، تنها یک ضرورت سیاسی نیست؛ بلکه برای رفاه مردم، گسترش تجارت، توسعه فرهنگی و ایجاد آینده‌ای امن برای نسل‌های بعدی اهمیت دارد.